

آیا حمله یا جنگ می‌شود؟

کرد تا گام‌هایی در جهت خروج از عراق بردارد و پس از انتخابات میان دوره‌ای چهارم نوامبر ۲۰۱۰ اظهار کرد که شتاب زده عمل کرده و نتوانسته به اهداف خود برسد. در مورد عراق هم واژه پایان جنگ مطرح شد و نه پیروزی در جنگ. دوم این که او با ما با محافظه کاران جدید و فرمانداران نظامی افغانستان بر سر ماندن و یا زمانبندی برای خروج از افغانستان اختلاف دارد و این اختلاف حتی به برکناری ژنرال با تجربه‌ای چون مک کریستال منجر شد و هم اکنون نیز اصرار دارد که زمانبندی خروج و پایانی برای جنگ در افغانستان مشخص شود که به نوبه خود بحث پیشتری می‌طلبد. آیا با این توصیف امکان دارد که تصور کنیم او با ما اهل جنگ دیگری باشد و با این همه مشکلات وارد جنگ با ایران شود؟ بویژه که بالاترین مقام نظامی انگلیس گفت القاعده رانمی‌توان

برخی حمله به ایران را با حمله به افغانستان و عراق مقایسه کرده و حمله به ایران را در نوبت بعدی می‌دانند. باید توجه کرد که اشغال عراق توسط آمریکا با مخالفت آشکار برژینسکی، جورج سوروس، آل گور و رئیس جمهور آینده شان او با ما همراه بود. او با ما در مبارزات انتخاباتی برای ریاست جمهوری، هنگام سخنرانی در کنگره یهودیان آمریکا (ایپک) جنگ عراق را یک فاجعه (Disaster) نامید که معمولاً این واژه را برای زلزله‌های ویرانگر ۸ ریشتری به کار می‌برند و این در حالی بود که حزب جنگ (War Party)؛ لابی اسرائیل در آمریکا و خود اسرائیل آتش‌بیار حمله به عراق بودند و شاید این بتواند تا اندازه‌ای نشان دهد که زاویه دید او با ما با دید محافظه کاران جدید و حزب جنگ تنها تا حدی متفاوت است. پس از این که او با ما به مقام ریاست جمهوری رسید تلاش

نابود کرد و دنیای غرب تا ۳۰ سال دیگر باید در برابر حملات آنها هوشیار باشد.

سوم این که اسرائیل به ظاهر تمایل بیشتری به جنگ با ایران دارد، ولی عوامل بازدارنده‌ای است که مانع این امر می‌شود:

الف - در پی جنگ ۳۳ روزه

اسرائیل با حزب الله لبنان، اسرائیلی‌ها

برای ریشه‌یابی شکست خود کارهای فشرده‌ای انجام دادند که به گزارش وینو گراد منجر شد. این گزارش مطرح می‌کند که اسرائیل از این به بعد نباید وارد جنگی بشود که پیروزی صدها درصد در آن نباشد، چرا که جنگ ۳۳ روزه

به حیثیت نظامی - امنیتی اسرائیل ضربه‌های شدیدی وارد کرد و شکست ناپذیری آن را زیر سؤال برد، بنابراین روشن است که همه شرایط برای حمله به ایران و پیروزشدن وجود ندارد.

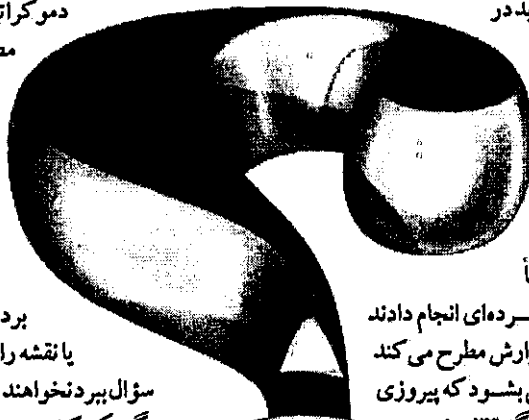
ب - حمله محدود اسرائیل به ایران بدون حمایت امریکا امکان ندارد و در حال حاضر امریکا نیز تمایلی به جنگ ندارد، چرا که دولت او با مابا وجود مشکلات بسیار، دیپلماسی و مذاکره را ترجیح می‌دهد و حتی پس از صحبت‌های

دکتر احمدی نژاد در سازمان ملل در مورد ۱۱ سپتامبر و

برانگیختن خشم امریکایی‌ها، او با مابا باز هم خط مشی مذاکره را تأیید کرد و در برابر سناتورهای که بایبانه خود خواهان جنگ با ایران بودند ایستاد. محافظه کاران جدید پس از پیروزی نسبی در انتخابات میان دوره‌ای به او با مابا گفتند اگر وارد جنگ با ایران بشود حمایتش می‌کنند.

ج - بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل معتقد است برای حل بحران خاور میانه ابتدا باید بحران ایران حل شود و بعد به جریان فلسطین و اسرائیل پرداخت، اما رئیس جمهور اسرائیل شیمون پرز به تازگی اعتراف کرد که اگر جریان اسرائیل و فلسطین حل شود قدرت ایران در منطقه خاور میانه ضعیف خواهد شد و انگیزه تروریست‌های القاعده کم رنگ خواهد شد. به نظر می‌رسد اگر امریکا و اسرائیل نتوانند امتیازی به فلسطینی‌ها و اعراب بدهند مسلم است که اتحاد استراتژیکی که قرار است بین امریکا، اسرائیل و کشورهای عرب علیه ایران به وجود آید تا زمانی دیگر به تعویق خواهد افتاد و این در حالی است که مدتی است امریکا علاقه زیادی به چنین اتحادی دارد و اگر چنین اتحادی به ثمر نرسد جنگ یا حمله به ایران جزو زیان، فایده‌ای برایشان ندارد.

د - کشورهای عربی بویژه عربستان سعودی نیز به دلیل بی ثباتی داخلی شان خواهان یک جنگ غیر قابل پیش بینی، علیه ایران نیستند، بلکه ادامه تحریم‌ها و تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران را ترجیح می‌دهند. هم‌زمان طور که می‌دانیم با وجود تبلیغات زیادی که به نفع دموکراتیک بودن اسرائیل می‌شود، دولتمردان اسرائیل به هیچ وجه



دموکراتیک نیستند و تاکنون نیز زیر بار مصوبات شورای امنیت که هویت

صهیونیستی آنها را زیر سؤال ببرد نرفتند. اسرائیلی‌ها معتقدند اگر این مصوبات اجرا شود به اعتراف خودشان به فروپاشی اسرائیل می‌انجامد. مدتی است که نتانیاهو

نقاب دموکراتیک را از چهره اسرائیل برداشته و رسماً اعلام کرده هر پیشنهاد و یا نقشه راهی که هویت یهودی اسرائیل را زیر

سؤال ببرد نخواهند پذیرفت و این نشان می‌دهد که اسرائیل دیگر یک کشور و عضو سازمان ملل نیست و به هیچ وجه حق شهروندی و تروهای دموکراتیک را قبول ندارد. با این وصف اگر اسرائیل با حمایت احتمالی امریکا

بخواهد به ایرانی حمله کند که مردمش از استعداد انسانی، دموکراتیک و حق شهروندی بالایی برخوردارند و این را در مبارزات انتخاباتی در راستای قانون اساسی به اثبات رسانند، بعید به نظر می‌رسد بخواهند شعله‌های دموکراتیک و حق شهروندی را در خاور میانه تقویت کرده و مساعدلات خاور میانه را به زیان خود تفسیر دهند.

اسرائیل سعی دارد در هیچ جای منطقه اجازه ندهد حرکتی دموکراتیک شکل گرفته و شعله‌ور شود و حقوق شهروندی مصرح در قوانین اساسی موضوعیت پیدا کند.

از سویی به نظر می‌رسد امریکایی‌ها بر اساس اطلاعاتی که دارند و در مطبوعاتشان منعکس شده به این نتیجه رسیدند که فساد مالی و تبعیض در ایران به حدی زیاد است که مملکت را قفل کرده و جلوی پیشرفت را گرفته و به پدیده‌ای لاینحل تبدیل شده که اصلاحات ناممکن می‌نماید و بنابراین هر گونه حمله‌ای که صورت گیرد نه تنها جلوی سیر این انحطاط را خواهد گرفت، بلکه به بسیج مردم می‌انجامد.

از سویی دیگر در تحریم‌های موققت چندانی به دست نیاوردند و ترندهای دیگری چون نفت در برابر غذا و دارو و فشار برای نخریدن نفت، تحریم بانک‌ها و... هنوز انجام نگرفته و از این رو در مقایسه با آنچه بر سر عراق آمد، تا حمله احتمالی فاصله بسیار است.

در نهایت این که اگر بعث عراق و طالبان در افغانستان از راه کودتا به قدرت رسیدند و خود امریکا و انگلیس در به قدرت رساندن آنها نقش داشتند، بنابراین فروپاشی آنها از راه حمله نیز ساده تر از حمله به کشوری است که انقلاب مردمی کرده و با وجود اختلاف‌هایی بر سر انتخابات، مردم ایران بسا ماجراجویی و بهانه دادن به دشمن با انواع تحریم‌ها و حمله و جنگ به شدت مخالفت، بسا وجود این باید هوشیار بود که از یک سو آمادگی خود را حفظ کنیم و از سویی دیگر هیچ گونه بهانه‌ای به دست دشمن ندهیم و با قانون‌نگرایی در داخل و تنش زدایی در خارج، راه پیشرفت مملکت را هموار کنیم.